

ضرورت معرفی و درج جدول نشانه‌های آوایی در فصلنامه‌های حوزه فرهنگ مردم

سید علیرضا هاشمی^۱

چکیده

در علم زبان‌شناسی با استفاده از آوانگاری و جدول نشانه‌های آوایی، آوانویسی واژه‌ها برای صحیح خواندن کلمات، جاینام‌ها و واژه‌های خاص و گویشی استفاده می‌گردد. این روش رویه‌ای است که معمولاً در فصلنامه‌های ویژه جغرافیایی، فرهنگی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌مردمی، عشایری و برخی دیگر از نشریات موضوعی و تخصصی، بر آوانویسی واژه‌ها تأکید می‌شود و برای آن جدول مخصوصی در ابتدای نشریه، جهت اطلاع و استفاده نویسندگان مقاله درج می‌گردد.

در این مقاله ضمن بیان ضرورت، اهمیت، پیشینه و نشانه‌های آوایی و آوانگاری، به پیشنهاد ترسیم یک جدول نشانه‌های آوایی برای به‌دست دادن قواعد و ضوابط یکسان توسط زبان‌شناسان و متخصصین بین‌رشته‌ای تأکید می‌شود تا با استفاده از این جدول بتوان از تشتت و چندگانگی ضبط کلمات، جاینام‌ها، واژه‌های خاص و گویشی به زبان فارسی در مقالات جلوگیری و در سهولت و صحیح‌خوانی و یا بیان درست آنها دقت کرد.

کلید واژه: آوانویسی، نشانه‌های آوایی، آوانگاری، خط آوانگاری، جدول برگردان آوایی

مقدمه

نگاهی به عناوین فصلنامه‌های در حال انتشار نشان از آن دارد که در حال حاضر تعداد انگشت شماری فصلنامه که در آنها مقالات انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و موضوعات مربوط به فرهنگ و فرهنگ‌عامه (فولکلور) می‌پردازند؛ هم به شکل شخصی (خصوصی) و هم از طریق سازمانی (دولتی) و هم از

سوی مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی به چاپ می‌رسد و برخی از آنها نسخه الکترونیکی فصلنامه انتشار یافته را در وبگاه مربوط بارگذاری می‌نمایند.

این فصلنامه‌ها که حتی برخی از آنها دارای رتبه علمی- پژوهشی هستند، با اعضای خود مقالات تخصصی این حوزه را بطور فصلی انتشار می‌دهند و دارای مخاطب و خوانندگان خاص خود هستند. این فرهیختگان خواننده علاوه بر ایران، سایر کشورهای جهان را نیز شامل می‌گردد. این دو خصیصه یعنی: «فرهیختگی خوانندگان» (فصلنامه چاپی) و «گستره جهانی بازدیدکنندگان» (انتشار در فضای مجازی)، مطالب و مقالات این فصلنامه‌ها را به طور ویژه و دست‌اندرکاران اجرایی، مدیران، اعضاء، داوران و نویسندگان آن را به صورت مستمر به یک وسواس علمی در ارزیابی، انتخاب و نگارش مقالات و مطالب سوق داده است.

اما آنچه مسلم است روند رو به استمرار و تکامل یک فصلنامه با ارائه ایده‌های جدید و کارآمد، قوام یافته و صبغه علمی و تخصصی آن را دوچندان می‌سازد. از این رو ایده و ضرورت معرفی و درج یک جدول نشانه-های آوایی همسان در ابتدای این فصلنامه‌ها جهت اطلاع نویسندگان مقالات از روش و دستورالعمل آوانگاری (Phonography) فصلنامه، پژوهشگران و نویسندگان اینگونه مقالات را با دستورالعمل آوانگاری برای کلمات، واژه‌ها، اسامی و جای‌نام‌های خاص و بومی و نگارش صحیح این کلمات در مقالاتشان همراه می‌سازد. با این دیدگاه این مقاله می‌کوشد با توصیف موضوع به‌عنوان یکی از مقولات مهم زبانشناسی، به اهمیت استفاده آن در مقالات فرهنگ‌مردمی و حوزه‌های مشابه تأکید کند.

طرح موضوع

هنگامی که کتاب یا مقاله‌ای را به خط فارسی مطالعه می‌کنیم، معمولاً نام اشخاص و یا مکان‌ها را به صورت انگلیسی (یا فرانسه) در کنار نام و مکان و یا در پانویس آن صفحه می‌بینیم. این عمل سهولت خواندن و تلفظ آن را برای خواننده به دنبال دارد. از این رو با این عمل «بسیاری از واژه‌ها علاوه بر تلفظ خود در زبان نوشتاری - یعنی آنطور که در هنگام خواندن متن نوشتاری ادا می‌شود- تلفظ خود در زبان گفتاری را نیز منعکس می‌کند» (دی‌هیم، ۱۳۷۹: ۱۷).

این موضوع، اما در خصوص اسامی، نام مکان‌ها، نام اشیاء و اسامی خاص بومی و روستایی که با گویش و لهجه همراه است، شکل دیگری پیدا می‌کند؛ اینجاست که علم زبان‌شناسی به کمک می‌آید و با استفاده از نشانه‌های آوایی، واژه‌های بومی برای صحیح خواندن، آوانویسی می‌گردند. این روش رویه‌ای است که معمولاً در مجلات ویژه جغرافیایی، فرهنگی، فرهنگ‌مردمی، عشایری و برخی دیگر از مجلات موضوعی و تخصصی، بر آوانویسی واژه‌ها تأکید می‌شود و برای آن جدول مخصوصی در ابتدای فصلنامه، برای اطلاع نویسندگان مقاله درج می‌گردد.

هدف از درج جدول نشانه‌های آوایی، به دست دادن قواعد و ضوابطی است که با استفاده از آنها بتوان از تشتت و چندگانگی ضبط کلمات، جاینام‌ها، واژه‌های خاص و گویشی به زبان فارسی در مقالات جلوگیری و در سهولت و صحیح خوانی آن دقت کرد.

به نظر می‌آید در صورتی که توافقی بر یک جدول «نشانه‌های آوایی» با همفکری مدیران محترم فصلنامه‌های با موضوع فرهنگ‌مردمی و موضوعات مشابه و مدیران محترم سایت‌های موضوعی مرتبط و به خصوص اساتید و پژوهشگران محترم زبان‌شناس صورت پذیرد و این جدول در صفحه شروع فصلنامه‌ها قرار گیرد، دسترسی نویسندگان مقالات به مشاهده جدول نشانه‌های آوایی و دستورالعمل چگونگی استفاده از آن، آسان می‌گردد.

اهمیت موضوع

تکننگاری‌ها، تحقیقات عشایری، تحقیقات روستایی، تحقیقات مردم‌شناسی، تحقیقات جغرافیای انسانی و سایر تحقیقاتی که محقق در میدان تحقیق، به واکاوی و بررسی می‌پردازد؛ انباشته از اسامی، جاینام‌ها و واژه‌های بومی است که ممکن است به علت اطلاع نداشتن خوانندگان، این متون با دشواری و در مواقعی با نادرست خوانی و ابهام در تلفظ مواجه شود.

از سوی دیگر گستره تنگ «واکه» (مصوت)ها در نمایش الفبایی این واژگان در فارسی و مهمتر از آن، همراه نبودن این حرکت‌ها با حروف الفبا، چیزی که در همه زبان‌های لاتین وجود دارد (یعنی عین واکه‌ها در شکل حروف به درون الفبا راه یافته‌اند و هر واژه صدای خود را در نوشتار به همراه دارد) ⁱⁱ، ما را به بن‌بستی می‌کشد که تنها راه گریز از آن، بهره‌گیری از «نمادنویسی آوایی جهانی» است؛ کاری که پیشگامان فرهنگ-

نویسی نوین فارسی؛ همچون دکتر محمد معین در «فرهنگ فارسی» و دکتر عبدالحسین مصاحب در «دائرة المعارف فارسی» هریک، به گونه‌ای به آن دست یازیدند (جلالی، ۱۳۷۹: ۹).

از این روست که حتی برخی دانش‌آموختگان و دانشجویان در خواندن اسامی مکان‌هایی همچون سیلک، ورسک، دیر، گواتر، خوسف، یدی‌بلوک و گرمی با دشواری مواجه می‌شوند. حتی مراکز رسمی نیز گاه در نوشتن این اسامی دچار مشکل می‌شوند؛ به‌طور مثال: «بیگان» نام یک آبادی است در باختر شهر «شیروان» و نزدیک به جاده آسیایی؛ بر روی این تابلو و در زیر نام فارسی آن نگاشته شده است: bigan. در حقیقت تابلوگذاران راه و ترابری در نوشتن حروف انگلیسی آن سر در گم بوده‌اند. چرا که اگر قصد انگلیسی‌نگاشت این نام بود- آن گونه که بومیان این آبادی بر زبان می‌رانند- باید همان اسم مفعول (p.p) فعل «آغازیدن» در انگلیسی، یعنی "bigun" را می‌آوردند و اگر هدف آوانگاشت این جاینام بوده باید به صورت "bigân" نوشته می‌شد. یا از آنجا که پاره‌ای از حروف فارسی برابر نهاده‌ای در انگلیسی ندارند، این مورد در نقشه‌ها و تابلوها دوگونه‌نویسی شده‌اند، مثل «ق» در قم (Qom) و «ق» در قائمشهر (Ghaemshahr)؛ و یا در بهره‌گیری از یک واکه (مصوت) برای دو آوای گوناگون، مثل: آ و آ در اراک (Arak)، که آوانگاشت درست آن "arâk" است (همان، ۱۰). این موضوع وقتی پیچیده‌تر می‌شود که با گویش‌ها و زبان‌های مختلف ترکی، کردی، عربی و... در کشور مواجه شویم چرا که با توجه به دیگرگونه بودن آوای این زبان‌ها در فارسی، آوانویسی آنها چندان آسان نیست. مثلاً نام آبادی «سوزش» با انگلیسی نگاشت «suzesh»، که خواندن آن اینگونه نیست. در صورتی که این واژنام از سرزمین ترک زبان برخاسته و هیچ ارتباطی به «سوختن» فارسی ندارد؛ چرا که تلفظ آن «سوزش» و با آوانگاشت "šüzüs" به معنی «به آرامی روان شدن/ بودن» است. ii

بنابر این با آوانگاری هر کلمه می‌توان صورت صحیح‌خواندن آن را دریافت، آن طور که کلمه «آب» در ایران باستان p و pi و در فارسی میانه یا پهلوی k بوده و از میان زبان‌های کنونی ایرانی، در فارسی معاصر b، در تاجیکی ob، در تالشی ov، در کردی v، در تاتی ou، در بلوچی ap و در افغانی ova تلفظ می‌شود (محمدزاده صدیق، ۱۳۵۴: ۴۱). بر این اساس بسیاری از واژه‌ها علاوه بر تلفظ خود در زبان نوشتاری (یعنی آنطور که در هنگام خواندن متنی نوشتاری ادا می‌شود)، تلفظ خود در زبان گفتاری را نیز منعکس

می‌کنند (دیپیم، ۱۷:۱۳۷۹)، مانند تأویل (ta'vil) و مبعث (mab'as)؛ که انجام این کار در سریع خواندن جملات و صحیح خواندن متن کمک می‌کند.

پیشینه

آواشناسان از مدت‌ها پیش می‌دانستند که برای نشان دادن خصوصیات تولیدی صدا، به طور واضح، نمی‌توان از نظام خطی سنتی استفاده نمود. در انگلستان، در قرن شانزدهم *سِر توماس اسمیت*، با انجام اصلاحاتی در یک نظام خطی، از آن به عنوان نشانه‌های آوایی بهره گرفت. برای مثال او واژه «charity» را به صورت «carite» و واژه cheese را به صورت «cēs» نوشت. اما در همین قرن نوزدهم بود که با فزونی گرفتن علاقه آواشناسان به تحقیقات لهجه‌شناسی، نیاز به نظام‌های دقیق برای نشان دادن گفتار احساس شد. در بریتانیا نظام‌های نشانه‌گذاری *الکساندر ملویل بل*، به‌ویژه نظام «گفتار مشهود» او (بل، ۱۸۶۷) ابزار نشانه‌ای دقیقی برای پژوهشگران رشته آواشناسی فراهم ساخت. کمی قبل از او، در اروپا تحقیقات *ریچارد لپسیوس*، دانشمند آلمانی، به انتشار الفبای معیار در سال ۱۸۵۵ منتهی شد، نظامی که مورد استفاده بسیاری از آواشناسان و زبان‌شناسان توصیفی، به خصوص مبلغین مذهبی آفریقا و خاور دور قرار می‌گرفت. با وجود این، بسیاری از حروف آوایی امروزه را باید در کار عده‌ای از معلمان زبان و آواشناسان شمال و غرب اروپا جستجو کرد. الفبای بین‌المللی آواشناسی در اواخر دهه ۱۸۸۰ بوجود آمد و اکنون روشی معیار برای آوانگاری به شمار می‌رود. در این الفبا، در قرن اخیر، اصلاحات زیادی به عمل آمده است (مک‌موان و فیوج، ۱۳۷۳:۲۲).

نشانه‌های آوایی و آوانگاری

نظام نوشتاری الفبایی بسیاری از زبان‌ها، نه تنها انسان را بر آن می‌دارد که تصور کند گفتار از قطعات آوایی منفصل تشکیل شده است؛ بلکه باعث به وجود آمدن اصطلاحاتی مانند «همخوان» و «واکه» نیز شده است. باید تأکید شود که اگر چه این اصطلاحات در آواشناسی به کار می‌رود، اما بر حسب خصوصیت‌های خود آواها توصیف می‌شوند و نه بر حسب اشکال حروف الفبا در نظام نوشتاری. برای مثال از دیدگاه نظام

نوشتاری زبان انگلیسی، حرف «y» در آخر واژه happy یک همخوان است، در حالی که این صدا از دیدگاه آوایی یک واکه است، یا حرف «e» در آخر واژه above یک واکه نوشتاری است. اما در گفتار، در این واژه خاص فاقد ارزش است زیرا بعد از «v» صدایی به تلفظ در نمی‌آید. بنابراین، بین صداهایی که بر حسب حروف الفبا، به طور غیر عملی، توصیف می‌شوند و صداهایی که به طور عملی از دیدگاه آواشناختی توصیف می‌شوند، باید تمایز دقیق قایل شد. از این رو می‌توان نشانه‌هایی برای صداها تعیین کرد. این نشانه‌ها ارزش خطی ندارند بلکه ارزش آوایی دارند، اگر چه ممکن است شکل آنها مانند حروف نوشتاری بعضی از زبان‌ها باشد (همو، ۲۱).

الف- لزوم استفاده از خط آوانگاری

برای اینکه بتوان آواشناسی کلمات را به صورت نوشته عرضه کرد، به دستگاه الفبایی نیاز هست که آواشناس و محقق با استفاده از آن، آواهای زبان را طوری بنویسد که جز با یک تلفظ خوانده نشود. این کار را نمی‌توان با کمک الفباهای موجود انجام داد؛ زیرا این نکته به صورت یک واقعیت عمومی پذیرفته شده است که همه الفباهای موجود عموماً دارای کمبودهایی هستند که با وجود آنها، از عهده ضبط دقیق زبانها بر نمی‌آید. این کمبودها ممکن است از انواع زیر باشد:

۱- ممکن است یک آوا با چند نشانه نوشته شود؛ مثلاً در الفبای فارسی آوای (Z) را به صورت‌های «ز»، «ض» و «ظ» می‌توان نوشت. یا در الفبای انگلیسی صدای (i:) را می‌توان دست‌کم به صورت‌های «ee»، «i»، «ea»، «eo» و «e» نوشت؛ چنانکه در کلمات زیر نشانه‌های فوق همگی برای نوشتن (i:) به کار رفته‌اند: «see»، «machine»، «sea»، «people» و «Pete».

۲- ممکن است چند آوا با یک نشانه نوشته شود؛ مثلاً در الفبای فارسی آواهای (u,v) و (o) را همه با نشانه «و» می‌توان نوشت؛ چنانکه در کلمات «سوار»، «سود» و «تو» مشاهده می‌شود. یا در انگلیسی آواهای (s) و (k) را می‌توان با نشانه «c» نوشت، همچنانکه در واژه‌های «cat» و «receive» مشاهده می‌شود.

۳- گاهی ترکیب چند نشانه با هم برای نمایاندن یک آوا به کار می‌رود، مثلاً در فارسی اغلب ترکیب نشانه‌های «خ» و «و» برای آوای (x) به کار می‌رود، چنانکه در واژه‌های «خویش» و «خواب» دیده می‌شود. یا در انگلیسی از ترکیب «c» و «h» برای نشان دادن آوای () استفاده می‌شود. چنانکه در کلمه church مشاهده می‌شود.

۴- ممکن است دو آوای متوالی با یک نشانه نمایانده شوند، مثلاً در انگلیسی اغلب توالی آوای (k) و (s) را با نشانه «x» می‌نویسند، چنانچه در کلمه «box» چنین است.

۵- گاهی یک یا چند آوا در نوشتار نمایانده نمی‌شود، مثلاً در فارسی آوای (e,a) و (o) در وسط نشانه ندارند، چنانکه در واژه‌های «سر»، «مهر» و «پر» دیده می‌شود.

۶- گاهی نشانه‌های نوشتاری نمایانگر هیچ آوایی نیستند؛ مثلاً نشانه‌های «gh» و «k» در کلمات انگلیسی «thought» و «know» ارزش آوایی ندارند.

اینها نمونه‌ای از کمبودهای الفباهای موجود است.^{۱۷} با این‌همه، همین اندازه کافی است که نشان‌دهنده الفباهای موجود تا چه حد در نشان دادن تلفظ دقیق گفتار درمی‌مانند (حق‌شناس، ۱۳۵۶: ۲۴، ۲۳). از این رو در آواشناسی برای آنکه آوای زبان را بطور دقیق و نظام‌یافته‌ای بنویسیم لازم است دستگاه الفبای ویژه‌ای را برای این منظور برگزینیم؛ یعنی الفبایی که بتوان با آن تلفظ دقیق گفتار را نشان داد.

ب- اصول خط آوانگاری

از آنجا که به ضرورت استفاده از خط آوانگاری اشاره شد، در اینجا به بررسی اصولی می‌پردازیم که خط آوانگاری بر آنها بنیاد شده است. این اصول عبارتند از:

۱- در خط آوانگار هر نشانه‌ای همیشه و همه‌جا برای نمایاندن فقط یک آوا به کار می‌رود؛ به عبارت فنی‌تر نشانه‌های الفبای آوانگار دارای ارزش‌های ثابت و مشخصند.

۲- در خط آوانگار هر آوایی همیشه و همه جا با یک نشانه نوشته می‌شود؛ حتی چنانچه برای یک آوا دو نشانه اختیاری وجود داشته باشد، باید یکی از آن دو را اختیار کرد و آن را همواره در سرتاسر گزارش به کار برد و از استفاده از هر دو نشانه پرهیز نمود.

مثلاً برای نمایاندن آوایی که در فارسی به صورت «چ» می‌نویسیم دو نشانه () و () موجود است. آواشناس موظف است یکی از این دو را به اختیار برگزیند و همیشه و همه جا از همان یکی استفاده کند.

۳- در گزینش نشانه‌های آوانگاری سعی می‌شود تا آنجا که میسر است از نشانه‌های مأنوس و آسان که یاد گرفتن و نوشتن آنها ایجاد دشواری نکند، استفاده شود. مثلاً از دو نشانه‌ای که در پاراگراف پیشین آورده شد، نشانه () برای اهل فن، هم مأنوس‌تر و هم آسان‌تر است و یادگیری و چاپ آن نیز امکان‌پذیرتر خواهد بود.

۴- در آوانویسی سعی می‌شود، تا آنجا که مقدور است، از نشانه‌های مرکب برای یک آوا استفاده نشود؛ و اگر برای آوایی دو نشانه وجود داشته باشد که یکی مرکب و دیگری بسیط باشد، بهتر است از نشانه بسیط استفاده کرد؛ مثلاً همانگونه که در بالا آمد، برای آوایی که در فارسی به حرف «چ» نشان داده می‌شود از بین دو نشانه موجود، نشانه () بر آن دیگری امتیاز دارد.

۵- هرگاه مجبور شویم برای نشان دادن آوایی، از نشانه تازه‌ای در آوانویسی خود استفاده کنیم، باید در آغاز کار ارزش آوایی آن نشانه تازه را دقیقاً توصیف کنیم و متوجه باشیم که به آن نشانه جز یک ارزش آوایی ندهیم. باید افزود که استفاده از نشانه تازه در صورتی مجاز است که در خط آوانگار برای آوایی که قصد نوشتن آن را داریم نشانه‌ای وجود نداشته باشد.

۶- آواشناس باید از استفاده از دو یا چند الفبای آوانگار در نوشته خود پرهیز کند تا از آشفتگی و سردرگمی بیهوده جلوگیری شود.

۷- برای تشخیص آوانویسی از نوشته عادی معمولاً آوانویسی را در [۱]^۷ قرار می‌دهند (همو، ۲۶، ۲۵).

پ- نشانه‌های خط آوانگار

در آواشناسی همگانی سعی می‌شود توانایی کلی انسان در زمینه تولید و دریافت آواهایی که ممکن است در زبان‌های گوناگون به کار رود توصیف شود و چه بسا آواهایی مورد مطالعه و توصیف قرار گیرند که در هیچ یک از زبان‌هایی که برای هر خواننده‌ای آشناست به کار نرود. اما از آنجا که توانایی آوایی انسان نامحدود است، آواشناسی سعی نمی‌کند هر یک از آواهای ممکن را جداگانه توصیف کند، بلکه می‌کوشد روش، نظام، قواعد و الگوهایی را عرضه کند که بتوان با استفاده از آن هر صدایی را توصیف نمود (همو، ۱۲). با این حال چون عملاً نمی‌توان برای هر آوایی یک نشانه معین کرد. برای رفع این اشکال، در آواشناسی به وجود دو نوع نشانه قایل شده‌اند. این دو نوع عبارتند از:

۱- نشانه‌های حرفی: این دسته از نشانه‌ها همانند حروف الفبای [انگلیسی] معمولی هستند و هنگام نوشتن در کنار هم زنجیروار قرار می‌گیرند. نشانه‌های (b,p) و (c) از این نوعند.

۲- نشانه‌های زیروزبری: این دسته از نشانه‌ها لزوماً در کنار نشانه‌های حرفی و در زنجیره نوشتار قرار نمی‌گیرند؛ بلکه مانند زیروزبر در فارسی، بالا، زیر و پهلوی نشانه‌های حرفی نوشته می‌شوند. نشانه‌های (ˆ)، (˜) و (:) در شمار نشانه‌های زیروزبری هستند. این نشانه‌ها نیز دارای ارزش ثابت هستند.

با ترکیب متوالی این دو نوع نشانه با هم می‌توان تا حد بسیار زیادی مشکل کمبود نشانه حرفی را در آوانویسی حل نمود، به خصوص با توجه به اینکه هر نشانه حرفی را می‌توان با بیش از یک نشانه زیروزبری ترکیب نمود؛ مثلاً (b) را که نشانه حرفی است، می‌توان با (:) ترکیب کرد و به صورت (b:) نوشت و نشانه اخیر ارزشی متفاوت از نشانه‌های (b) و (:) خواهد داشت. علاوه بر این، دستگاه الفبای آوانگار را باز نگاه داشته‌اند تا آواشناسان بتوانند، چنانچه ضرورت ایجاد کند، از نشانه‌های خودساخته تازه‌ای- با توجه به اصول آن- در آوانویسی خود استفاده کنند (همو، ۲۷، ۲۸). اما دشواری هنگامی آشکار می‌شود که پی‌ببریم برای نگارش آواهای زبان، علاوه بر نشانه‌های متداول الفبای لاتین، دست کم به حدود نود نشانه آوانگار اضافی نیاز پیدا می‌شود که دستیابی به این همه نشانه اضافی، آن‌هم در شرایطی که برای این کار چندان سنتی وجود نداشته است، بی‌نهایت دشوار خواهد بود (همو، پیشگفتار).

دو واژه برگردان آوایی (Translittération) و آوانگاری (transcription)

هرگاه در برگرداندن الفبایی به الفبای زبان دیگر تنها به تلفظ کلمات و جملات توجه داشته باشیم و همان تلفظ را با حروف الفبای زبان دیگر ثبت کنیم، در حقیقت، آوانگاری کرده‌ایم. در این حالت، بسا پیش می‌آید که، هر چند تلفظ^۵ درست نقل شده است، اما نمی‌توان از روی صورت «برگشته»، صورت نوشتاری اصلی را باز یافت؛ به این معنی که «برگشت‌پذیری» وجود ندارد. مثلاً «خواهر» که در آوانویسی به صورت xâhar در می‌آید، در «برگشت» به صورت «خاهر» ظاهر می‌گردد. «سازمان بین‌المللی استاندارد»^۶ اصطلاح transcription را چنین تعریف می‌کند: «فرایند ضبط عناصر واجی یا تک‌واژی یک زبان با استفاده از دستگاه الفبایی خاص» (ISO:1954 به نقل از صدیق بهزادی، ۷۳).

اما نویسه‌گردانی (حرف‌نگاری یا حرف‌نویسی) یا آوانگاری شیوه‌ای است که در آن یک حرف از یک نظام نوشتاری را با حرفی از نظام نوشتاری دیگر نشان می‌دهیم و آن، در واقع نمایش یا نوشتن لغات و حروف یک زبان با حروف یا الفبای زبان دیگر است. در نویسه‌گردانی، صورت نوشتاری کلمات و جملات مورد نظر است به طوری که در صورت لزوم به آسانی بتوان از روی نویسه‌گردانی شده صورت نوشتاری اصلی را بازسازی کرد و بنابراین، ارزش آن در همان «برگشت‌پذیر» بودن آن است. اما دشواری کار در آن است که گاه تلفظ کلمه پس از برگردان، سخت دگرگون می‌شود، مثلاً eight در نویسه‌گردانی به الفبای فارسی می‌شود: ایگهت. سازمان بین‌المللی استاندارد transliteration را چنین تعریف می‌کند: «فرایند ضبط نمادهای نوشتاری یک نظام الفبایی با استفاده از نمادهای نوشتاری متناظر در دستگاه الفبایی زبان دیگر». در دایرة‌المعارف زبان و زبان‌شناسی، ذیل transliteration (نویسه‌گردانی) چنین آمده است: «فرایند ضبط نشانه‌های موجود در یک نظام نوشتاری بر حسب نشانه‌های موجود و متناظر آن در نظام نوشتاری دیگر». (The Encyclopedia of Language and Linguistics, 1994 به نقل از صدیق بهزادی، ۷۴)

جدول‌های آوانگاری

در کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه داده‌ها، نقشه) طرح ملی اطلس زبانی ایران، (۱۳۸۵) دو جدول آورده شده است (نک: یدالله پرمون، ۱۰۹). در جدول شماره یک این کتابچه برخی نمادهای همخوانی ویژه نمایش عناصر آوایی در گونه‌های زبانی ایران نوشته شده که این نمادها برگرفته از فهرست‌های نمادهای همخوانی و جدول نشانه‌های زیروزبری الفبای آوانگاری بین‌المللی آی.پی.ای^{vi} (ویراست ۱۹۹۶) است. از این رو برای اطلاع بیشتر به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود:

مثال			توصیف آوایی	نماد	ردیف کتابچه
گونه زبانی دربردارنده	آوانوشتۀ تفضیلی	معادل نوشتاری			
فارسی معیار	[p ^h edæ ^r]	«پدر»	انفجاری دولبی بیواک دمیده	[p ^h]	۱
فارسی معیار	[t ^{wh} ut ^h]	«توت»	انفجاری دندانی- لثوی بی‌واک نادمیده	[t ^h]	۴

در جدول شماره دو این کتابچه (نک: یدالله پرمون، ۱۱۳) نیز برخی نمادهای واکه‌ای ویژه نمایش عناصر آوایی مشاهده شده در گونه‌های زبانی ایران آمده که برگرفته از الفبای آوانگاری بین‌المللی آی.پی.ای است. دو نمونه از نمادهای واکه‌ای این جدول به قرار زیر است:

مثال			توصیف آوایی	نماد	ردیف کتابچه
گونه زبانی دربردارنده	آوانوشتۀ تفضیلی	معادل نوشتاری			
فارسی معیار	[s̥iːni]	«سینی»	بسته پیشین سخت گسترده	[i]	۱
فارسی معیار	[seć ^{c^h} é]	«سگه»	نیم بسته پیشین سخت خنثا	[e]	۴

همانطور که مشاهده می‌شود معادل آوانویسی تفضیلی کلماتی چون «پدر»، «توت»، «سینی» و «سگه» مطابق الفبای آوانگاری بین‌المللی آی.پی.ای بسیار دشوار است و علاوه بر نشانه‌های متداول الفبای لاتین، دست کم به تعداد زیادی نشانه آوانگار اضافی نیاز پیدا می‌شود که دستیابی به این همه نشانه اضافی، آن‌هم در شرایطی که برای این کار چندان سنتی وجود نداشته است، بی‌نهایت دشوار خواهد بود. از این رو در جهت سهولت کار و دسترسی آسانتر پژوهشگران در معادل آوانویسی‌ها زبان‌شناسان، جداول آوانویسی ساده-تری را نوشته‌اند که دسترسی و استفاده از آن برای مقالات مربوط به علوم انسانی کاربردی‌تر است.

مقایسه دو جدول برگردان آوایی

با توجه به مطالبی که نوشته شد، نیاز به پیروی از یک جدول برگردان آوایی در فصلنامه‌ها و وبگاه‌های تخصصی - موضوعی در حوزه فرهنگ مردم ضروری می‌نماید؛ به‌خصوص آنکه این جدول از یک شیوه یک-نواخت، صحیح و علمی پیروی نماید. اینکه تأکید بر یک‌نواختی، صحیح و علمی بودن جدول می‌شود به دلیل آن است که بررسی جدول آوانگاری برخی نشریات نشان می‌دهد که این جداول فاقد یکنواختی و از نظر صحت، بعضاً دارای نقص و کاستی‌هایی می‌باشند. برای نمونه جدول آوانگاری دو نشریه که با وجود آنکه سال‌هاست مقالات نویسندگان این نشریه بر اساس آوانگاری آن نوشته می‌شود، آورده می‌شود و به نکاتی مختصر اشاره می‌گردد:

جدول برگردان آوایی فصلنامه «فرهنگ مردم ایران» (نمونه اول)

مثال		واکها		
ابر	abr	أ	=	a
آب	âb	آ	=	â
أردو	ordu	أ	=	o
او(سوم شخص)	U	أو	=	u
اسم	esm	إ	=	e
ایل	Il	ای (ئی)	=	i

مثال		همخوان		مثال		همخوان	
فیل	fil	ف =	f	بز	boz	ب =	b
قورباغه	qurbâqe	ق + غ =	q	پر	par	پ =	p
کار	kâr	ک =	k	تر	tar	ت + ط =	t
گرم	garm	گ =	g	سر	sar	س + ث + ص =	s
لال	lâl	ل =	l	جان	jân	ج =	j
مو	mu	م =	m	چون	un	چ =	
نان	nân	ن =	n	خون	xun	خ =	x
ورد	verd	و =	v	در	dar	د =	d
هار/ حال	hâl, hâr	ح + ه =	h	روز	ruz	ر =	r
یار	yâr	ی =	y	زور	zur	ز + ذ + ض + ط =	z
معما	mo?amâ	ع + ء =	?	ژاله	žâle	ژ =	ž

(منبع: فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ص ۴، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۰)

همانطور که مشاهده می‌شود تلفظ (أو) ترکی که با نماد «ü» مشخص می‌شود در این جدول مشخص نیست و تنها نماد «u» که برای واکه (او) سوم شخص، به کار می‌رود، آمده است. همچنین برای همخوان‌های (ء + ع) از علامت «?» استفاده شده است که صحیح آن نماد سوال بدون نقطه در زیر آن و یا نماد «ُ» است. زیرا در بخش symbols نرم افزار word علامت سوال بدون نقطه موجود نیست؛ بهتر است از این علامت مشابه استفاده شود. همچنین برای مصوت (ای: مثل عید) لازم است از نماد «ey» استفاده گردد. جدول دوم نیز دارای نکاتی است:

جدول برگردان آوایی فصلنامه «انسان‌شناسی» (نمونه دوم)

نظام آوانگاری مجله انسان‌شناسی							
صامت‌ها				مصوت‌ها			
ط، خ	p	ر	r	گوپر	هم‌چون دروازه	ای	i
ب	b	ز	z	او	»	اد	ū
پ	p	ش	ʃ	کام	»	ا	ā
ت، ط	t	غ، ق	q	صدا	»	ا	e
س، ص	s	ج	ʒ	بابل	»	ار	o
چ	ʃ	ک	k	گم	»	آ	a
ج	ʒ	گ	g	روزنه	»	او	ow
ح، ه	h	ل	l	شیدا	»	ای	ey
خ	x	م	m	عیان	»	ای	iy
د	d	ن	n				
ذ، ز، ض، ظ	z	و	v				
		ی	y				

(منبع: مجله انسان‌شناسی، ص ۱۸۷، بهار و تابستان ۱۳۸۹)

در این جدول صامت (ز) در کنار نماد «Z» آمده است که باید در مقابل صامت (ژ) قرار گیرد (البته به نظر می‌رسد که این اشتباه تایپی است چون صامت‌های (ذ، ز، ض، ظ) کنار نماد «Z» قرار دارد، همانطور که (د) در همین ردیف به دلیل غلط تایپی به جای (ذ) نوشته شده است).

معمولاً در این جداول صداهای (آ، آ) کوتاه و (آ) کشیده با سه واکه «a, â» و «» نشان داده می‌شود که در این جدول صامت (مصوت) (آ) برای نشانه «» منظور شده است. بنابر این برای نماد «â» صامتی منظور نشده است.

همچنین (او) کشیده «ü» که در اصوات زبان آذری وجود دارد، در این جدول مشخص نشده و مصوت (او) با نماد «Û» مشخص شده است. به نظر می‌رسد که از دو نشانه «u» و «ü» باید برای اولی مصوت (او) و برای دومی به عنوان (او: زبان آذری) استفاده شود.

اکتفا به همین نمونه‌های ذکر شده نشان از آن دارد که نشانه‌های درج شده در جدول این دو فصلنامه دارای وحدت نبوده و در برخی موارد با یکدیگر متفاوت هستند.

نوشته تا خوانندگان نیز هنگام مطالعه، واژه‌های خاص و بومی را، هم به صورت صحیح بخوانند و هم به شکل درست بیان کنند.

پی نوشت‌ها:

ⁱ - پژوهشگر فرهنگ‌عامه 400hashemi@gmail.com

ⁱⁱ - در فارسی، ما فقط مصوت‌های کوتاه را بنا به عادت در واژه‌ها نمی‌نویسیم و گرنه این واژه‌های آوایی در سامانه نوشتار فارسی وجود دارند. به خوبی هم می‌دانیم در زبانهای لاتین (حداقل در فرانسه و انگلیسی) این که «همیشه همه هر واژه صدای خود را در نوشتار به همراه دارد»، بیشتر باوری عامیانه است تا نگاهی علمی. برای مثال فقط لازم است به نویسه a در دو واژه انگلیسی Table و about نگاه کنیم و ببینیم که این نویسه همیشه آوای واحدی را نشان نمی‌دهند و بنا به جایگاهشان در واژه تغییر می‌کنند. در این موارد، نبود پیوند استوار و یگانه میان آوا و نویسه در زبان فرانسه از این هم آشکارتر است (به نقل از دکتر حافظیان).

ⁱⁱⁱ - البته این دوگانه‌نویسی الفبایی در همه جا وجود دارد. در پژوهشی که در باره واژگان‌نامه روبر به زبان فرانسه توسط اینجانب شده است (به نقل از دکتر حافظیان)، اندکی بیش از ۸۲۰ سرواژه درج شده داریم.

^{iv} چون سامانه نوشتاری زبانهای طبیعی (نه زبانهای برساخته چون اسپرانتو)، ادامه تحولی تاریخی است؛ گفتن از کمبود شاید درست نباشد. البته می‌توان از ناکارآمد بودن این یا آن الفبا برای آوانویسی (آن هم نوع جهانی‌اش) آواهای زبانهای جهان گفت (به نقل از دکتر حافظیان).

^v - در برخی موارد نیز آوانویسی را در داخل پرانتز () و یا داخل دو خط آریب (/ slash) // می‌نویسند.

^{vi} - International Organization for Standardization (ISO)

^{vii} - IPA (International Phonetic Alphabet)

منابع:

- پرمون، یدالله (۱۳۸۵). **طرح ملی اطلس زبانی ایران**، کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه

داده‌ها، نقشه)، ناشر: پژوهشکده زبان و گویش، سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری

- پناهی سمنانی، محمد، (۱۳۶۶). **فرهنگ سمنانی** (شرح حال و نمونه آثار محلی شاعران در گویش سمنانی)،

ناشر مؤلف

- جلالی، عباس (۱۳۷۹). «ضرورت آوانگاری در جغرافیا»، **مجله رشد آموزش جغرافیا**، سال پانزدهم، شماره

۵۶

- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۵۶). **آوانویسی**، تهران: آگاه

- دیهیم، گیتی (۱۳۷۹)، فرهنگ آوایی فارسی، تهران: فرهنگ معاصر
 - سلامی، عبدالنبی (۱۳۹۰-۱۳۸۳). گنجینه گویش شناسی فارس شش دفتر، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
 - صدیق‌بهبزادی، ماندانا (۱۳۷۵). «زبان فارسی در تبادل اطلاعات کتاب‌شناختی»، فصلنامه نامه فرهنگستان، شماره ۸، صص ۷۰ تا ۸۲
 - کمالی‌پناه (پزش)، غلامرضا (۱۳۸۲). «تأملی در واج»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، پاییز، شماره ۶۷، وزارت آموزش و پرورش؛ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
 - محمدرزاده صدیق، حسین (۱۳۵۴). گفتارهایی پیرامون مسائل زبان‌شناسی ایران، تهران: انتشارات بامداد
 - مک‌موان، کی.سی، ام و فیوج، اریک (۱۳۷۳). آواشناسی و واج‌شناسی، مترجمان: محمد فاض، جواد نصرتی‌نیا، تهران: روایت
 - میرعمادی، سیدعلی (به کوشش) (۱۳۷۳)، مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- و نیز:

- International Organization for Standardization. *General Principles for the Conversion of One Written Language into Another*. Revised Version. Introductory Note on the General Principles of Transliteration first published in Iso / Rq (1954).
- The Encyclopedia of Language and Linguistics, Chief editor, Asher (1994). S. V. "Phonetic Transcription: History".

نسخه نخست این مقاله در فصلنامه «فرهنگ مردم ایران»، شماره پیاپی ۴۵ و ۴۶، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۴۲ تا ۱۵۸ به چاپ رسیده است.